

سعیده دهقان نیری

دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

تأملی در برداشتهای متفاوت از حدیث نبوی: «بُعِثْتُ إِلَى الْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ»

۱۴۵-۱۴۹

چکیده: یکی از احادیثی که در کتاب فرهنگ مأثورات متون عرفانی (۱۳۸۰: انتشارات سروش) آمده، حدیث «بعثت الی الاحمر والاسود» است که به نقل از کتاب مرصاد العباد آمده و به «برای سرخ [پوست] و سیاه [پوست] برانگیخته شده‌ام» ترجمه شده است. در این میان این پرسش مطرح می‌شود که در زمان پیامبر (ص)، سرخ پوست چه مصداقی می‌توانسته داشته باشد؟ آیا احمر تنها به معنای سرخ است؟ آیا تنها معناهای احمر/ابيض در این حدیث، سرخ پوست و سپید پوست است؟ نویسنده نوشتار حاضر معتقد است که با جستجو و بررسی این حدیث در دیگر متون بتوان مفهوم مناسب‌تری نسبت به آنچه در فرهنگ مأثورات متون عرفانی آمده، به دست داد. وی در نوشتار پیش رو، تأملی در برداشت‌های متفاوت از این حدیث نبوی داشته و معنای درست حدیث را «به سوی جن و انس مبعوث شده‌ام» می‌داند.

کلیدواژه: حدیث نبوی، مفهوم حدیث، جن، انس، بعثت پیامبر، حدیث بعثت الی الاحمر والاسود، معنای حدیث.

Contemplating about Different Interpretations of the Prophetic hadith:

Bi>tha ela al-Ahmar wa al-Aswad

By: Sa'ide Dehqan Nayyeri

Abstract: One of the hadiths printed in *farhang-e Ma>thoorāt-e Motoon-e Erfāni* (1380: Soroosh Publication) is «Bi>tha ela al-ahmar wa al-aswad» which is quoted from *Mersād ol-Ebād* and is translated into «I've become a prophet for the red and black (skin)». Now the question is what the meaning of the red skin was at the time of the Prophet (Pbuh). Does ahmar only mean red? Do ahmar/ab-yaz in this hadith just mean red skin and white skin? The author of the following paper believes that one can find a more appropriate meaning for this hadith than the one presented in *farhang-e Ma>thoorāt-e Motoon-e Erfāni* by searching and studying it in other sources and texts.

Key words: Prophetic hadith, the meaning of hadith, Jinn, human, B>tha, «Bi>tha ela al-ahmar wa al-aswad», the meaning of hadith.

تأملات في التفاسير المختلفة للحدیث النبوی: «بُعِثْتُ إِلَى الْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ»

سعیده دهقان نیری

من الأحادیث التي وردت في كتاب فرهنگ مأثورات متون عرفانی (= قاموس النصوص العرفانية المأثورة) الصادر في العام ۱۳۸۰ الشمسي عن انتشارات سروش، هو حدیث «بُعِثْتُ إِلَى الْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ» نقلًا عن كتاب مرصاد العباد، وقد فسّره عند ترجمته بأن المقصود بالأحمر والأسود هم ذوي البشرة الحمراء والبيضاء.

وهنا يشار التساؤل عن ما الذي يمكن أن يكون مصداقاً للأحمر في زمان النبي صلى الله عليه وآله؟ فهل يقتصر معنى كلمة (الأحمر) على معنى اللون الأحمر؟ وهل أنّ معنى الأحمر والأبيض في هذا الحديث هو مجرد ذوي البشرة الحمراء أو البيضاء؟

تعتقد كاتبة المقال الحالي أنه يمكن من خلال البحث والتحقيق في جوانب هذا الحديث وما ورد في النصوص الأخرى أن نثر على جوابٍ أنسب من ذلك الذي ورد في قاموس النصوص العرفانية المأثورة.

وفي هذا السياق تقوم الكاتبة بالتأمل في التفاسير المختلفة لهذا الحديث النبوي، لتصل إلى ما تعتقد أنه المعنى الصحيح له، وهو أنّي بُعِثْتُ إِلَى الْجِنِّ وَالْإِنْسِ.

المفردات الأساسية: الحديث النبوي، مفهوم الحديث، الجن، الإنس، بعثة النبي، حدیث «بُعِثْتُ إِلَى الْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ»، معنى الحديث.

تأملی در برداشت‌های متفاوت از حدیث نبوی: «بُعِثْتُ إِلَى الْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ»

_____ سعیده دهقان نیری

فرهنگ مآثورات متون عرفانی در سال ۱۳۸۰ به همت انتشارات سروش برای اولین بار به چاپ رسید. این کتاب بعدها در سال ۱۳۸۸ بدون هیچ تغییری در سلسله انتشارات سخن تجدید چاپ شد. این فرهنگ ارزشمند مرجعی است سودمند برای دستیابی به احادیث، اقوال و امثال متون عرفانی فارسی، اما از نقد و تکمیل برکنار نیست.

از زمان چاپ این کتاب تا کنون، دو نقد و تکمله بر این کتاب نوشته شده است: یکی «نکته‌هایی بر ترجمه و ضبط عبارات عربی در فرهنگ مآثورات متون عرفانی» از سهیل یاری گل‌دره که در سال ۱۳۹۵ در شماره ۱۵۷ مجله آینه پژوهش به چاپ رسیده است و دیگری «تکمله‌ای بر فرهنگ مآثورات متون عرفانی و روایت‌های دیگری از سه مآثور آن»، نوشته محمدصادق خاتمی که در سال ۱۳۹۶ در شماره ۷۴-۷۵ مجله گزارش میراث منتشر شده است.

یکی از احادیثی که در این کتاب آمده، حدیث «بُعِثْتُ إِلَى الْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ» است که به نقل از کتاب مرصاد العباد آمده و به «برای سرخ [پوست] و سیاه [پوست] برانگیخته شده‌ام» ترجمه شده است.

این حدیث در مرصاد العباد^۱ از سوی مؤلف یا مصحح ترجمه و شرح نشده است.

در جواهر التفسیر نیز به همین صورت آمده و در تعلیقات به «بر مردمان سرخ‌پوست و سیاه‌پوست مبعوث شده‌ام» معنا شده است.^۲

شفیعی کدکنی در تعلیقات خود بر منطق الطیر^۳ آن را چنین ترجمه کرده است:

بر همگان، سپیدپوست و سیاه‌پوست، مبعوث شدم.

در نوبت دوم کشف الاسرار و عدة الابراز^۴ در تفسیر آیه «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ» (آیه ۴۲ سوره بقره) دو قول آمده که قول دوم چنین است:

و گفته‌اند این خطاب با جهودان است قومی که میگفتند این محمد فرستاده حق است و راستگوی، اما بقومی دیگر فرستاده‌اند نه بما و بر ما نیست که بوی ایمان آریم. الله تع گفت اول سخن شما حق است و آخر باطل، آن حق باین باطل بیامیزید، که او را بهمه خلق فرستاده‌اند بهر زنگی که خلق اند. و لهذا قال صلعم بُعِثْتُ إِلَى الْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ وَالْأَبْيَضِ.

۱. صدری‌نیا، باقر، فرهنگ مآثورات متون عرفانی، ص ۱۷۶.

۲. رازی، نجم‌الدین، مرصاد العباد، ص ۱۴۸ و ۴۲۶.

۳. واعظ کاشفی سبزواری، ملاحسین، جواهر التفسیر، ص ۱۸۱ و ۸۶۸.

۴. عطار، فریدالدین محمد بن ابراهیم نیشابوری، منطق الطیر، ص ۴۸۶.

۵. میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عدة الابراز، ج ۱، ص ۱۶۸-۱۶۹.

اللون، إنما الأبيض عندهم الظاهر النقي من العيوب، فإذا أرادوا الأبيض من اللون قالوا: الأحمر.

در اینجا دو مطلب بیان شده است:

۱. معادل دیگر الأحمر والأسود، جن وانس است که در اینجا علاوه بر معادل های پیشین (سرخ پوست و سیاه پوست، سپید پوست و سیاه پوست، عجم و عرب) مطرح شده است.

۲. رب سپید را از رنگ ها نمی شمارد و منحصرأً سپید را زمانی به کار می برد که ظاهری پاکیزه از عیب باشد. پس هرگاه سپید را از رنگ ها اراده کند، می گوید احمر.

شفیعی کدکنی هم در تعلیقات منطق الطیر^{۱۱} ذیل «كَلَمِينِي يَا حُمَيْرًا» نوشته است: حُمَيْرَاءُ، تصغیر حمراء است و عایشه سپید پوست بوده است و عرب ها سپید را سرخ (= احمر) می خوانده اند.

سیوطی در الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور^{۱۲} صورت کامل حدیث را آورده است:

واخرج احمد وابن المنذر عن أبي ذر رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلي الله عليه وسلم أعطيت خمسا لم يعطهن أحد قبلي بعثت إلي الأحمر والأسود وجعلت لي الأرض مسجداً وطهوراً وأحلت لي الغنائم ولم تحل لأحد كان قبلي ونصرت بالرعب فیرعب العدو وهو مني مسيرة شهر وقال لي سل تعطه فاخترت دعوتي شفاعاً لامتي وهي نائلة منكم ان شاء الله.

بنابراین می بینیم که هر بخش از این حدیث در گوشه ای از متون عرفانی به طور مستقل به کار رفته و در فرهنگ مأثورات متون عرفانی مداخل جداگانه ای را به خود اختصاص داده است.

صورت کامل حدیث و بافت کلام و اشاره به پنج امتیاز خاص برای پیامبر(ص) که پیش از ایشان به کسی داده نشده است، نشان می دهد که معادل این عبارت نمی تواند محدود به عجم و عرب و شمول بعثت ایشان بر اقوام مختلف باشد. در بحار الانوار درباره رسالت پیامبر(ص) آمده است:

أُرْسِلَ نَبِيًّا ص إِلَى النَّاسِ كَأَفَّةً قَوْلُهُ «نَذِيرًا

بار دیگر در همین کتاب صورت دیگری از این حدیث آمده است:

بعثت الي الاحمر والاسود والي الخلق كافة^۶.

در این میان این پرسش مطرح می شود که در زمان پیامبر(ص) سرخ پوست چه مصداقی می توانسته داشته باشد؟ آیا احمر تنها به معنای سرخ است؟ آیا تنها معناهای احمر/ ابيض در این حدیث سرخ پوست و سپید پوست است؟

به نظر می رسد با جستجو و بررسی این حدیث در دیگر متون بتوان مفهوم مناسب تری نسبت به آنچه در فرهنگ مأثورات متون عرفانی آمده به دست داد.

در کتاب صبح الأعشى في صناعة الإنشاء به مفهوم متفاوتی از احمر و اسود اشاره شده است:

وقد قيل في قوله صلي الله عليه وسلم: «بُعِثْتُ إِلَى الْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ»، إن المراد بالأحمر: العجم لعلبة البياض فيهم؛ والمراد بالأسود: العرب لعلبة السُمرة فيهم.^۷

بنابراین قلقشندی احمر را برابر با عجم و اسود را برابر با عرب دانسته است.

در تعلیقات خواص الحيوان به نقل از النهاية في غريب الحديث و الاثر^۸ آمده است:

زمخشري درباره «بعثت إلى الأحمر والأسود» گفته است أن را گاه به عرب و عجم و گاه به جن وانس تعبیر کرده اند.^۹

علامه مجلسی نیز در مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول^{۱۰} از النهاية چنین نقل کرده است:

وفي النهاية فيه: بعثت إلي الأحمر والأسود أي العجم والعرب، لأن الغالب علي ألوان العجم الحمرة والبياض، وعلي ألوان العرب الأدمة والسمر، وقيل: الجن والإنس، وقيل: أراد بالأحمر الأبيض مطلقاً فإن العرب تقول امرأة حمراء أي بيضاء، وسئل تغلب كم خص الأحمر دون الأبيض فقال: لأن العرب لا تقول أبيض من بياض

۶. همان، ج ۷، ص ۴۱۶.

۷. قلقشندی، احمد بن عبد الله، صبح الأعشى في صناعة الإنشاء، ج ۲، ص ۴-۵.

۸. ابن اثير، ج ۱، ص ۴۳۷.

۹. تبریزی، محمد تقی، ص ۳۹۹.

۱۰. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۶، ص ۵۳.

۱۱. شفيعی کدکنی، محمدرضا، منطق الطير، ص ۴۹۲.

۱۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۳، ص ۲۰۴.

لِلْبَشَرِ^{۱۳} وَإِلَى الْجِنِّ أَيْضًا قَوْلُهُ وَ «إِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفْرًا مِنَ الْجِنِّ»^{۱۴} وَإِلَى الشَّيَاطِينِ أَيْضًا قَالَ (ص) إِنَّ اللَّهَ أَعَانَنِي عَلَى شَيْطَانٍ حَتَّى أَتَّكَمَ عَلَى يَدَيَّ قَوْلُهُ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً»^{۱۵} وَقَالَ قَوْلُهُ ص بُعِثْتُ إِلَى الْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ وَالْأَبْيَضِ وَقَالَ (ص) بُعِثْتُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ.^{۱۶}

آتشی جنیان و خاکی آدمیان اشاره شده است.

بدین ترتیب معنای درست حدیث «بُعِثْتُ إِلَى الْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ» به تأیید قرآن و متون کهن چنین است: به سوی جن و انس مبعوث شده‌ام.

بنابراین مجلسی محدوده رسالت پیامبر اکرم (ص) را به استناد آیات قرآن، جن و انس دانسته است.

بر اساس آیه «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يُتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي»^{۱۷} جنیان نیز مانند آدمیان پیامبرانی داشته‌اند. در آیات ۱ و ۲ سوره جن می‌خوانیم: «قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا» و نیز در آیه ۲۹ سوره احقاف: «وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفْرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَوْ إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ» که آشکارا از آمدن جنیان نزد پیامبر (ص) و شنیدن قرآن و ایمان آوردن به ایشان سخن به میان آمده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این آیات معنای جن و انس را برای «الأحمر و الأسود» در حدیث مورد نظر تأیید می‌کنند.

حال سؤال این است به چه علت «الأحمر و الأسود» به معنای «جن و انس» آمده است؟

در خواص الحیوان ذیل مدخل جنّ چنین آمده:

اجماع كافة اهل اسلام است که پیغمبر (ص) (صلوات الله علیه) بر جن و انس مبعوث است و نیز آن حضرت فرموده که بُعِثْتُ إِلَى الْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ. چون عنصر نار و هوا بر آنها غالب، احمر اشاره بدیشان و خاک تیره بر اینها فایق، اسود کنایه از آدمیان.^{۱۸}

در قرآن نیز در آیات «وَأَخْلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ»^{۱۹} و «وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ»^{۲۰} و «خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ»^{۲۱} به جنس

کتاب نامه

- صدری نیا، باقر؛ فرهنگ مأثورات متون عرفانی؛ تهران: سخن، ۱۳۹۴.
- رازى، نجم‌الدین؛ مرصاد العباد، تصحیح محمد امین ریاحی؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۱.
- واعظ کاشفی سبزواری، ملاحسین؛ جواهر التفسیر؛ تحقیق و تصحیح: جواد (فرزاد) عباسی؛ تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۹.
- عطّار، فریدالدین محمد بن ابراهیم نیشابوری؛ منطق الطیر؛ تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی؛ تهران: سخن، ۱۳۹۳.
- میبیدی، ابوالفضل رشیدالدین؛ کشف الاسرار و عدة الأبرار؛ به اهتمام علی اصغر حکمت؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- قلقشندی، احمد بن عبدالله؛ صبح الأعشى فی صناعة الإنشاء؛ قاهره: دارالکتب المصریه، ۱۹۲۸م.
- مجلسی، محمدباقر؛ مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول؛ تصحیح سیدهاشم رسولی؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۴ق.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور؛ قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۴ق.
- مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۹۸۳م.
- دمیری، کمال الدین؛ خواص الحیوان (ترجمه حیات الحیوان)؛ ترجمه خواجه محمد تقی تبریزی؛ تصحیح فاطمه مهری؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۵.

۱۳. مدثر: ۳۶.

۱۴. احقاف: ۲۹.

۱۵. سبا: ۲۸.

۱۶. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۳۳۷.

۱۷. انعام: ۱۳۰.

۱۸. دمیری، کمال الدین، خواص الحیوان، ص ۷۰-۷۱.

۱۹. الرحمن: ۱۵.

۲۰. حجر: ۲۷.

۲۱. آل عمران: ۵۹.